

شیخ احمد کافی؛ نزدیک مهدیه تهران، یک دکان عرق فروشی بود، من خیلی ناراحت بودم. پیرمردی ارمنی که عرق فروش بود، گفتند این آرشاک می‌فرستد دنبال جوان‌های مردم، وقتی می‌آیند آنجا، یک آبجو و ساندویچ همین‌طوری به اینها می‌دهد، می‌خواهد اینها را مبتلا به شراب خوری کند.

یک روز این ارمنی را خواستمش آمد خانه ما. گفتم: من سه تا پیشنهاد به تو می‌دهم؛ اول این‌که ۱۰ هزار تومان از پول

عرق‌فروشی‌ای که کتاب‌فروشی شد

آخوندیم که از کسی هم نمی‌گیرم، قریه‌الی... به تو می‌دهم، تو در عوض، تغییر شغل بده یعنی خودت باش، دکانت هم باشد، فقط شغلت را عوض کن.

دوم این‌که دکانت را بفروش؛ من از تو می‌خرم و سوم این‌که

در دکانت را می‌بندم. گفت تغییر شغل که نمی‌دهم؛ دکان را

هم نمی‌فروشم. حالا چطور می‌خواهی ببندی؟ گفتم؛ چند

ساله که قانون تصویب شده که پیاله‌فروشی ممنوعه! من

یک آخوند پاشنه‌گیر بالا کشیده‌ای هستم، در کارهای دینی عجیبم. به قیافه‌ما نگاه نکن که شُل و ول هستم، در این کارها قرض هستم.

یک وقت (آرشاک) یک کلمه‌ای گفت، من را آتش زد. گفت:

من ۲۸ ساله در این محله هستم و مسلمان‌ها به من نان می‌دهند. خلاصه ما دکانش را ۵۰ هزار تومان خریدیم. الان آنجا را کتاب‌فروشی اسلامی کردیم.



این بیت شعری است که در پایین تصویر مرحوم کافی تقدیمی خدمتگزاران مهدیه تهران در اولین سالگرد او آمده است. کافی به خدمت ماندگار به ساحت حضرت مهدی (عج) مشهور است. از روزی که مهدیه تهران را بنا نهاد و دعای ندبه صبح جمعه را از محفل خانگی خود به فضای عمومی آورد، نام او با نام منجی عالم بشریت پیوند خورد. قصه ساختن مهدیه تهران را این‌گونه روایت کرده‌اند که احمد کافی با مشاهده استقبال مردم از مراسم دعای کمیل و ندبه با فروش منزل خود، کمک چهار نفر از بازاربان خوشنام تهران و همچنین کمک‌های مردمی در سال ۱۳۴۸ قطعه زمین ۴۰۰۰ متری در خیابان ولیعصر تهران با نام مهدیه خریداری کرد که ساختمان اولیه آن ۱۵ هزار نفر را در خود جای می‌داد. به گفته مرتضی طاهری، مداح اهل بیت(ع) مهدیه تهران فقط یک مکان مذهبی برای برگزاری مراسم نبود بلکه مکانی برای هدایت جوانان بود. او معتقد است؛ «کافی برای انقلاب ابداع‌سازی کرد».

از دیگر خدمات ارزشمند مرحوم کافی به فرهنگ مهدویت، افشاکاری‌های عالمانه علیه بهائیت در منابرش بود.

حسین وماادراک الحسین (ع)؟

روضة خوان و منبری نامش با امام حسین (ع) گره خورده است. گاهی ارادت روضه‌خوان حسین (ع) به نام ارباب بی‌کفن از نوای مدح و کلام دلنشین سخنرانی او برمی‌خیزد و گاه از اقدام برای اصلاح امور شیعیان و دوستداران ابداعا... (ع).

مرحوم کافی از آن دست روحانیونی بود که سخنی عامه‌پسند داشت، فرقی نمی‌کرد چه کسی یای منبر او می‌نشند و برای ارباب بی‌کفن اشک می‌ریزد، همین که از عمق وجود و باهمان کلام/سانام «حسین(ع)» را فریاد می‌زد، صدای ضجه مستمع به آسمان برمی‌خواست. ارادت قلبی «کافی» به امام حسین (ع) چه در مجموعه سخنرانی‌های او و چه در فعالیت‌های فرهنگی و دینی نمایان بود و همین تطابق حرف و عمل، او را عزیز مردم کرده بود. کارهای او از دل بود و بر دل می‌نشست؛ مثلا خرید مشروب‌فروشی جنب بنای مهدیه تهران و تبدیل آن به کتابفروشی، همان اندازه بر مخاطب کافی اثرگذار بود که «یااباعبد...» گفتن‌های او بر منبر روضه سیدالشهداء(ع).

او خود روایتی از ارادت قلبی به امام حسین (ع) و روضه‌خوانی خود در پیاده‌روی اربعین برای زائران کرپلا را این‌گونه نقل کرده است؛ «در ایام اربعین، ۱۰- ۱۲ نان می‌گرفتم و از نانوا می‌خواستیم تا آن را خشک کند. بعد به داخل اتاق مدرسه می‌پریم، در کیسه‌ای خرد می‌کردیم. یک من ماست هم می‌گرفتم و داخل کیسه می‌ریختم تا آب آن گرفته‌شود. نمناءونمک هم در آن می‌ریختم. هرکدام از ما یک کاسه و قاشق هم برمی‌داشتیم و همراه لباس‌ها داخل کوله‌بشتی می‌گذاشتیم. شب بعد از نماز مغرب و عشاء به حرم امیرالمومنین (ع) می‌رفتم و سلام می‌دادیم و می‌گفتم ما راهی کرپلا هستیم، امری ندارید؟ می‌رویم کنار قبر حسین عزیز شما، امری ندارید؟

در گروه‌هایی ۱۰ یا ۱۵ نفره به سمت کوفه می‌رفتم و از کنار فرات و نخل‌ها، پیاده راهی کرپلا می‌شدیم. کار من این بود که در این مسیر هرجایی که دور هم روی خاک‌ها می‌نشستیم؛ عبای خود را به عنوان زیرانداز می‌انداختم و برای آن جمعیت روضه می‌خواندم. عجب حال خوبی هم داشتند.»

البته این همه ماجرای روضه‌خوانی شیخ کافی برای امام حسین نبود، از او مجموعه سخنرانی و روضه‌های بسیاری به جای مانده که نام شهدای کرپلا را فریاد می‌زند. چنانچه مرتضی طاهری؛ مداح اهل بیت(ع) نقل کرده که یکی از برنامه‌های مهدیه تهران که مرحوم کافی در آن نقش پررنگی داشت، سخنرانی مراسم محرم و صفر بود.



زهرا ماروف روزنامه‌نگار

یادم نمی‌آید دقیقا چندساله بودم که صدای رسای «شیخ‌احمد کافی» که از ضبط‌صوت قدیمی خانه‌پخش می‌شد، توجهم را جلب کرد. فریادهای شیخ که پامنبری‌های خود را به شناخت مهدی موعود(عج) دعوت می‌کرد، اولین کلامی بود که از زبان «کافی» شنیدم و متوجه محتوای آن شدم. بعد از آن پرسش‌های مکرر من را مادر شروع‌شده پاسخ‌هایی که او ناچار بود بین صحبت‌های شیخ به من بگوید؛ دکمه قطع‌کن ضبط را می‌زد، جواب را می‌گفت و دوباره ادامه سخنان کافی و ماجرابی که تقریبا تا پایان آن نوار کاست ادامه داشت. بعد از آن روز، دقت بیشتر شد، بارها و بارها مادرم را دیده بودم که وقتی در حال انجام امور خانه مثل سبزی پاک کردن بود، همان‌طور که با عینک نزدیک‌بین و دقت به تولیدات آشپزخانه‌ای نگاه می‌انداخت، شنونده صحبت‌های آقای کافی بود.

والدین ما، خاطرات زیادی از منبرهای مرحوم شیخ‌احمد کافی دارند. روحانی سنتی که پامنبری‌های خاص خود را داشت. وقتی خبر در شهر می‌نیچید که کافی در مشهد سخنرانی دارد، برای مردمی که دوستدار او بودند، فرقی نمی‌کرد که کدام منطقه شهر ساکن هستند، باوجود کمی وسایل نقلیه، خود را به مراسم روضه و سخنرانی شیخ می‌رساندند. این راهم مادر و پدرم روایت می‌کردند. آنها مثل برخی دیگر از طرفداران کافی معتقد بودند از همان زمان که خبر شهادت آقامصلی خمینی را شنیدیم و کافی گفت؛ نسیم صبا سلام ما را به خمینی برسان، حدس می‌زدیم ساواک او را شهید کند. این خرده‌روایت‌ها بخشی از حافظه تاریخی مردم از روحانی خوش‌کلامی است که نامش با سیدالشهداء(ع) و مهدی موعود(عج) گره خورده است.

کافی دوران

نام شیخ‌احمد کافی را زیاد شنیده‌ایم. او گرچه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در سانه رانندگی از دریافت اما نه‌تنها در حافظه تاریخی مردم دهه ۵۰ه که بعد از آن نیز ماندگار شد.

احمد ضیافتی‌کافی که در برخی اسناد از او به کافی خراسانی و کافی‌تهرانی نیز یاد شده است، اواخر خرداد سال ۱۳۱۵ در مشهد متولد شد. پدربزرگ او از علمای یزد بود که به مشهد مهاجرت کرده و ساکن دیار امام هشتم (ع) شده بود. او درباره اصالت خود چنین

گفته بود: «من اهل بین‌المللم، اصلیمت یزدی، متولد مشهد و ساکن تهران هستم».

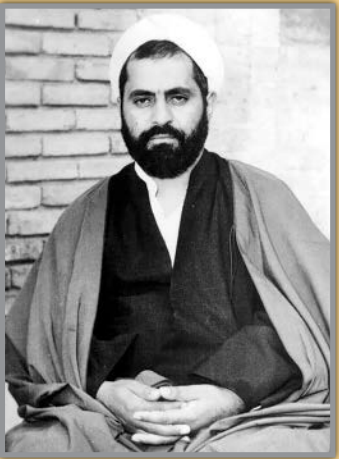
احمد کافی از ۱۵ سالگی در حرم مطهر رضوی حضور می‌یافت و با صدای دلنشین خود برای زائران آن حضرت دعای کمیل را زمزمه و مرثیه‌سرایی می‌کرد. او تا ۱۸ سالگی در مشهد به تحصیل پرداخت و پس از آن در سال ۱۳۳۲ شمسی همراه پدربزرگ خود به نجف مهاجرت کرد و نزد بزرگانی چون آیت عظام خویی، سید محسن حکیم، حسینی‌شاه‌رودی و سیداسدا... مدنی به تحصیل پرداخت. علاقه او به مجالس روضه

برش

همراهی شیخ‌احمد با انقلاب و مردم

کافی تنها روضه‌خوان امام حسین (ع) نبود. فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی کافی در کنار روضه‌خوانی و سخنرانی‌های پرسوز و گداز از دیگر وجوه شخصیت اجتماعی او بود. در سخنرانی‌هایی که از کافی به جای مانده او از امام خمینی (ره)

به نیکی یاد کرده و در بسیاری از رویدادهای سیاسی همراه انقلابیون بود. حجت‌الاسلام کافی به پیروی از نهضت حضرت امام خمینی(ره)، در جریان مخالفت امام راحل با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، فعالیت‌های سیاسی خود را علیه رژیم ستمشاهی پهلوی از طریق سخنرانی آغاز کرد. نخستین گزارش مکتوب سازمان اطلاعات و امنیت درباره ایشان که در مورخه ۱۳۴۱/۱۲/۴ ثبت شده، مربوط به سخنرانی وی در منزل آیت... قمی است. پس از این مرحوم کافی زیر نظر ساواک و نیروهای امنیتی قرار گرفت و بارها احضار و تذکر دریافت کرد اما باوجود تبعید از فعالیت برای مردم دست برنداشت و ضمن روشنگری به اقدامات عام‌المنفعه خود همچون گذشته ادامه داد. طبق اسناد و خاطرات نقل شده، احمد کافی



بیرق

هیأت مکتب تشیع تهران

«هیأت مکتب تشیع تهران» امسال نیز مانند تمام هیأت‌های مذهبی دیگر در منطقه مرکزی شهر تهران برنامه‌های خودش را برای عزاداری‌های محرم داشت؛ برنامه‌هایی که قبل از آغاز ماه محرم به اطلاع اهالی رسید و سینه به سینه به دیگران منتقل شد.

می‌گویند قدمت هیأت مکتب تشیع تهران به ۱۲۰ سال پیش بازمی‌گردد؛ زمانی که حاج‌قلی علی‌خان لو، مؤسس مکتب، آن را در تبریز راه انداخت.

اما این هیأت در تبریز به دلیل مهاجرت بانی‌اش به تهران نتوانست به حیاتش ادامه دهد اما دست تقدیر چنان قرار گرفت تا دوباره این هیأت در تهران راه‌اندازی شود و نام هیأت مکتب تشیع تبریز به هیأت مکتب تشیع تهران تغییر کند.

حضور در تهران آن هم در زمان حکومت پهلوی با دشواری‌هایی برای حاج‌قلی همراه بود، چراکه تأسیس این هیأت همزمان می‌شود با دوره خفکان و دین ستیزی حکومت رضاخانی و راه چاره برای مؤسس این هیأت، برگزاری مراسم به صورت مخفیانه می‌شود.

زیارت مزار شیخ‌احمد کافی

ارادت خالصانه مرحوم حاج‌شیخ‌احمد کافی (قدس سره) به ساحت مقدس حضرت بقیه... الاعظم، ولی‌عمر ابرواح العالمین له الفداء) سبب شده بود در سفرهایی که مرجع عالیقدر مرحوم آیت... العظمی حاج‌آقا لطفا... صافی‌گلپایگانی(قدس سره) به مشهد مقدس مشرف می‌شدند، مقید بودند جهت تجلیل از ایشان و خواندن فاتحه، در کنار مقبره‌شان حضور یابند. این مطلب و سایر نکات باریک‌تر از مو درباره ارادت مرجع عالیقدر شیعه حضرت آیت... العظمی حاج‌آقا لطفا... صافی‌گلپایگانی به حضرت حجت(عج) را می‌توانید در کتاب «محضر آفتاب، نوشته محسن اکبری‌شاه‌رودی‌بخوانید.

زیارت

جامعه

هیأت

HEYAT

دوشنبه ۱ مرداد ۱۴۰۳ ۱۴۸۶ شماره

صحیفه

سیدعلی اصغر حسینی پژوهشگر مذهبی

هیات داری در دعا‌های

صحیفه سجادیه



گرچه صحیفه سجادیه در قالب یک کتاب دعا تدوین شده اما باید دانست که در این کتاب، مجموعه‌ای از معارف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی در قالب دعا بیان شده است. صحیفه سجادیه به عنوان تنها کتاب بازمانده از نگارش‌های حدیثی‌انمه(ع)، تنها اثری است که در تدوین آن سه امام معصوم یعنی امام سجاد(ع)، امام باقر(ع) و امام صادق(ع) حضور و مشارکت داشته‌اند. آنچه که می‌خوانید نگاهی کوتاه به مقوله «آیین هیات‌داری» برگرفته از دعای ۴۱ صحیفه سجادیه است. روشن است در بقیه دعاها نیز می‌توان نمادهایی از این «آیین‌ها» را یافت اما در این مجال کوتاه، به همین مقدار باید کفایت کرد. دینداری، آبرومندی و داشتن اعتبار اجتماعی، سه ویژگی خادمی و مدیریت هیات مذهبی است. روشن است اگر کسی دین‌مدار نباشد اصولا علاقه و تلاشی برای برپایی شئائر دینی در قالب هیات مذهبی را نخواهد داشت. همچنین اگر شخص در محیط زندگی خود، شخصیت آبروداری نباشد، جلساتی که با مدیریت او برگزار می‌شود، اعتباری نخواهد داشت و همچنین اگر فاقد اعتبار اجتماعی نباشد، افراد خیر، کمک‌های خیریه را به او نمی‌سپارند تا خرج ایام عزای اهل‌بیت(ع) شود. همچنین ممکن است شخصی دارای آبرو باشد اما توان مناسب برای مدیریت جلسات را نداشته نباشد و اعتبار اجتماعی لازم برای هدایت جلسات را نداشته باشد.

امام سجاد(ع) نیز با اشاره به همین سه ویژگی در فرزا چهارم دعای ۴۱ صحیفه‌سجادیه به خدا عرض می‌کند که: «سُرْفُ دَرْجَتِی وَوُضُوْاٰنِکَ وَتُکْمِلُ کَرَامَتِیْ وَتُفَرِّقُنِیْ وَتُظْلِمُنِیْ فِیْ اَشْخَابِ الْیَاسِیْنِ وَتُجَنِّفِیْ فِیْ مَسَآلِکِ الْاَیْیْمِیْنِ وَاجْعَلْنِیْ فِیْ فَوْجِ الْفَآئِزِیْنِ وَاجْعَلْ بِیْ مَخَالِجَ الْمَخَالِجِیْنِ، اَیْمِیْن رَبِّ الْعَالَمِیْنِ.» (خدایا) باخشنودی خویش، مرا بلندمرتبه‌گردان و با امرزش خود، گرامیداشت مرا کامل فرما و مرا در ریف اصحاب یمین قرار بده و به راه‌راهی امین‌شدگان متوجه کن و در گروه رستگاران قرار بده و محافل شایستگان و صالحان را به سبب من آباد گردان.

در این فراز از دعا، قرار داشتن در گروه ایمان آوردندگان و اصحاب یمین، موج بودن و معتبر بودن در اجتماع و عزت داشتن در جامعه براساس کرامت الهی و قرار داشتن در طریق‌ها و مسالک ایمان‌آوردندگان، مقدمه‌ای بر تلاش برای عمران و آبادکردن مجالس دینی بیان شده است. به‌عبارت دیگر آن سه مقدمه شخصیتی و اخلاقی، زمینه‌ساز تلاش برای آباد کردن این مجالس است. گر چه مساجد، جلسات قرآن، نشست‌های بصیرتی و حضور در کلاس‌های مذهبی از مصادیق مجالس صالحین است اما هیات مذهبی را باید از بارزترین مجالس صالحین دانست. امام سجاد(ع) در این فراز از دعا علاوه بر درخواست غفران الهی و قرار گرفتن مستمر در اصحاب یقین، از خداوند می‌خواهد تا آبادکردن مجالس صالحین ازجمله هیات مذهبی را به‌دست او قرار دهد و روشن است که میان حضور در هیأت‌آبادکردن و هیأت‌تفاوت وجود دارد. به بیان دیگر آبادکردن هیأت به معنای تلاش برای برپا کردن و استقرار و مانایی هیات مذهبی و به‌عبارت دیگر خادمی و مدیریت این مراکز دینی است. هر مقدار خادمان اهل بیت(ع)، دینداری، آبرومندی و داشتن اعتبار اجتماعی را بیشتر دارا باشند، استقبال عمومی برای حضور در جلسات نیز بیشتر خواهد بود و این جز با عنایت اهل بیت(ع) به خادمان خود، محقق نمی‌شود.

